

نشر ایران- نویسنده کاترین په

۴- اقتصاد سیاسی شهرنشینی انتشارات

نشر ایران- نویسنده پل سینجر

۵- توسعه و توسعه نیافتگی جلد اول

انتشارات نشر ایران- مجموعه مقالات

۶- توسعه و توسعه نیافتگی جلد دوم-

مجموعه مقالات

۷- توسعه و وابستگی در آمریکای

لاتین انتشارات تندر- نویسنده فرناندو هنریک

کاردوزو

۸- سرمایه داری پیرامونی انتشارات

تندر نویسنده لوئیز پرا

۹- پوشش شهرنشینی در ایران

انتشارات آگاه- نویسندگان فرخ حسامیان- گیتی

اعتماد- محمدرضا حائری

گروه مطالعات شهری و منطقه ای هرگز

به طور رسمی و حقوقی خود را به ثبت نرسانید

و هرگز برای مشارکت علاقمندان در بحث ها و

نشریات محدودیتی قائل نشد و هرگز به طور

رسمی انحلال خود را اعلام نکرد. هیچ دلیل

قانع کننده و هیچ علت قاطعی برای قطع شدن

تداوم فعالیت های گروه نمی توان مطرح کرد و یا

علت العللی را یافت که چرا اعضا این گروه که

تک تک آنها هم اکنون در تأسیس و راه اندازی

شرکت های مهندسی مشاور سهامی هستند

تمایلی به ادامه کار و انتقال تجربه به گروه نشان

ندادند. اکنون در میان همه اعضا ثابت جز یکی

که در خارج زندگی می کند بقیه به طور مجزا در

داخل کشور سرگرم فعالیت های حرفه ای هستند

و شاید ماه ها و سال هاست که علیرغم دوستی و

ارادت حتی دیداری نیز میانشان روی نداده است

و شاید در دلشان به این نتیجه رسیده اند که شهر

آزار می دهد شهر پراکنده می کند .

محمدرضا حائری

تفاهم بزرگ

به مناسبت نمایشگاه نقاشی منوچهر صفرزاده

۶/۱۵ تیرماه ۷۵

تصاویری از پرده های تیسین، فرانسوا

بوشه، گویا در پرده های صفرزاده به کار گرفته

شده اند ولی نه به صورت بازنمایی و تقلید ساده و

محض، بلکه جزئی از جهانی شده اند که او در

پرده های خویش آفریده است .

در پرده های صفرزاده طبیعت عرصه ای است

که موجودات (آدم ها و شبه آدم ها) در آن حضور

خود را اعلام می کنند، ولی سواي حضور این

موجودات، نحوه ارتباطی که بین آنهاست رازدار

و پراهمیت است. به گفته براك «موجودات را به

کناری نهیم و روابطشان را در نظر بگیریم.»

در این صورت سنگینی رازغربی را در پرده های

صفرزاده حس می کنیم که تلخی آن توسط

اندام های زیبا کاسته می شود. . . . اما به محض

اینکه می خواهید زیبایی آن اندام ها را تحسین

کنید ناگهان . . .

. . . ناگهان شبخی، بدقواره ای یا شکلکی

می بینید نزدیک تراز شما و قبل از شما یا چشمانی

پرمهر، به همان زیبایی ها می نگرد. شاید

کابوسی است که پرده پندار رامی درد. . .

- آنها کابوس نیستند، خیلی هم رثوف اند و

نگاه های محبت آمیز و شیرینی هم دارند و

کتب و نشر

که هیچ تکانی و هیچ تحولی در پی ندارد.

نعمت لاله نی

کتابخانه

چهار برگ زرینی که به ایران بازنگشت

این یادداشت هم برگ دیگری است از پرونده غم‌انگیز شاهنامه شاه طهماسبی، مجلل‌ترین نسخه شاهنامه فردوسی، که داستان بازگشت نیمه بیشتر آن به وطن و پرس و جو درباره بقیه اوراق آن یکی از دل‌مشغولی‌های صاحب این قلم در دوسه سال اخیر بوده است.

در اسفندماه سال پیش خبر رسید که نگارخانه معروف سادبی (Sotheby's) در تدارک حراج مقداری مینیاتور و نسخه خطی ایرانی و هندی است که به صندوق بازنشستگی سازمان راه‌آهن بریتانیا تعلق داشته و اینک برای فروش به آن مؤسسه عرضه شده بود. از جمله این اوراق گرانقدر چهار برگ از تصاویر شاهنامه شاه طهماسبی بود و همین امر باعث جلب توجه زیادی به حراج شد که قرار بود در روز سه‌شنبه ۲۳ آوریل ۹۶ (۴ اردیبهشت ۷۵) در محل نگارخانه در شهر لندن انجام بگیرد. طبق معمول کاتالوگ نفیسی در توصیف اشیاء مورد حراج پیشاپیش چاپ شده و برای هندوستان و مجموعه داران فرستاده شده بود، و نسخه‌هایی از این کاتالوگ هم به ایران رسیده و علاقه‌مندان رابه حالت آماده‌باش درآورده بود. از چهار روز قبل از حراج هم نگارخانه اصل اشیاء را در

به راحتی با آدمیان آمیخته‌اند، و زنان آنان را پس نمی‌زنند.

- آیا این طنز است یا صفرزاده قصد هجو

چیزی را داشته است؟

- هیچ کدام، هیچ کدام از این موجودات و شکلک‌ها برای مضحکه و استهزاء آفریده نشده اند و در ترسیم‌شان اغراقی صورت نگرفته است که اسباب مزاح و تمسخر شود. در عین حال آنها زائیده تخیلات صفرزاده هم نیستند بلکه هستی دارند. سرشت هنرمندانه است که می‌تواند آنها را ببیند و قدرت ترسیم نقاش است که می‌تواند آنها را به تصویر کشد. باری اینها- این شکلک‌ها- موجوداتی هستند که در همه جا- هر چند غیرمخصوص- حضور دارند، در خیابان، در خانه، در محل کار و در درون آدمی. خیل هم متکی به خودند، زیرا می‌دانند که بالاخره در این جهان سهمی دارند. کلام در شناساندن آنها چندان رسا نیست. بلکه قلم قوی است که می‌تواند این واقعیت‌های نهفته در درون آدمی را تصویر کند. اگر قرار است آنان برای دستیابی به سهمی بزرگتر در این جهان، مهبیای «نبرد بزرگ» با آدمیان باشند، صفرزاده آنها را در «تفاهمی بزرگ» رسم می‌کند.

- آیا این «تفاهم بزرگ» صورت خواهد

گرفت، نمی‌دانیم... نمی‌دانیم چه پیش خواهد آمد... کسی دیگر هم نمی‌داند چه پیش خواهد آمد...

باری صفرزاده نقاشی نیست که پرده‌هایش خاطره خوشی بر دیگر خاطره‌های خوش باشد. بلکه نقاشی است که بنابر طبیعت زندگی‌اش، نمی‌تواند آفریننده آن لحظه‌های خصوصی باشد